

بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری روان‌شناختی نیروهای عملیاتی ناجا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۵

علی افشار^۲، علی فتحی آشتیانی^۳، سید حسین سلیمی^۴، محسن احمدی طهور^۵، محمدحسین ضرغامی^۶

از صفحه ۳۵ تا ۶۲

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش، تعیین عوامل مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری روان‌شناختی در کارکنان یگان‌های عملیاتی پلیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

روش‌شناسی: روش تحقیق، روش شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود. نمونه مورد بررسی شامل ۵۰ نفر از کارکنان یگان‌های ویژه پلیس بود که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای افراد انتخاب و به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. برای جمع‌آوری و بررسی متغیرهای تحقیق، پرسشنامه‌های تاب‌آوری کانر-دیویدسون، هوش معنوی سهرابی و ناصری، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و پرسشنامه خلاقیت عابدی توسط دو گروه آزمایش و کنترل تکمیل شد. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار «SPSS-19» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که آموزش هوش معنوی و خودکارآمدی، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج آزمون فرضیه‌های این پژوهش نشان داد که بین دو گروه آزمایشی و کنترل در این مطالعه، پس از اجرای برنامه آموزشی و انجام مداخلات روان‌شناختی، تفاوت معناداری در زمینه برخورداری از ویژگی تاب‌آوری روان‌شناختی وجود دارد که این تفاوت را می‌توان متأثر از مداخلات آموزشی انجام‌شده و شرکت اعضای گروه آزمایشی در کارگاه‌های روان‌شناختی هوش معنوی، خودکارآمدی، دانست.

کلیدواژه‌ها

تاب‌آوری، هوش معنوی، خودکارآمدی، خلاقیت، نیروهای عملیاتی ناجا.

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری علی افشار با عنوان ارائه الگو، تدوین و اجرای بسته آموزشی به‌منظور ارتقای تاب‌آوری روان‌شناختی نیروهای عملیاتی ناجا است.

۲. گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران، Afsharali371@yahoo.com

۳. مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، afa1337@yahoo.com

۴. گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران

۵. گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران

۶. مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران

نیروی انسانی، مهم‌ترین سرمایه سازمانی نیروی انتظامی است و سرمایه انسانی قوی، امکانات مادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد (اسلامی، ۱۳۸۳: ۲۶). تنوع و پیچیدگی مأموریت‌های سازمان پلیس در ایران، الزاماتی را برای سیاست‌گذاری و تبیین مراحل انتخاب، استخدام و به‌کارگیری عوامل انسانی جهت انجام مأموریت و ارائه خدمت در این سازمان ایجاد می‌کند که از جمله این الزامات و ضرورت‌ها؛ برخورداری از قابلیت‌های روانی و ویژگی‌های مثبت روان‌شناختی برای مواجهه با موقعیت‌های پرتنش و اضطراب‌آور، استرس‌زا و خطرآفرین و توانایی بازیابی سریع سلامت روانی هنگام مواجهه با آسیب روانی آشکار، ضمن اجرای مأموریت‌های محوله است. یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی که در روان‌شناسی مثبت‌نگر^۱ در رابطه با این توانایی مطرح‌شده تاب‌آوری^۲ می‌باشد. تاب‌آوری، به توانایی انطباق موفق با شرایط چالش‌برانگیز و تهدیدآمیز و هم‌چنین بازیابی و رشد تحت شرایط سخت اشاره دارد (آزاد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۹-۱۲۱). به باور کانر و دیویدسون^۳ (۲۰۰۳) تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی در شرایط خطرناک است. افرادی که دارای تاب‌آوری هستند، اغلب با ایجاد هیجانات مثبت پس از رویارویی‌های تنش‌زا، به حالت طبیعی بازمی‌گردند و بدون اینکه سلامت روانشان کاهش یابد و دچار بیماری روانی شوند، رویدادهای تنش‌زا را پشت سر می‌گذارند.

برخی تاب‌آوری را به‌عنوان صفت یا ویژگی فردی در نظر گرفته‌اند؛ درحالی‌که برخی دیگر، آن را به‌عنوان یک فرایند رشدی جاری در نظر گرفته‌اند که منعکس‌کننده سازگاری با شرایط ناگوار است. باوجوداینکه تاب‌آوری را یک ویژگی شخصیتی قلمداد می‌کنند و اعتقاد بر این است که ویژگی‌های شخصیتی درگذر زمان و تحت شرایط خاص شکل می‌گیرد و نسبتاً پایدار و غیرقابل تغییر است؛ متخصصانی چون استرنبرگ^۴ (۲۰۰۶) بر آموختنی بودن مهارت‌های گوناگون تاب‌آوری تأکید ورزیده‌اند. به باور آنان، می‌توان با آموزش مهارت‌هایی مانند مهارت‌های ارتباطی، مقابله، جرئت دهی و ابراز خود

1. Positive Psychology
2. Resilience
3. Connor & Davidson
4. Strenberg

می‌توان سطح سلامت روانی و هیجانی آنان را افزایش داد و از این‌رو احساس رضایتمندی از زندگی را در آن‌ها ارتقا بخشید.

خودکارآمدی، نوعی قضاوت از کیفیت اجرای اقدامات فردی لازم، جهت رویارویی با موقعیت‌های آتی است (بندورا^۱، ۱۹۸۲). به بیانی دیگر، خودکارآمدی باور به توانمندی‌های فردی است. ارتقای تاب‌آوری افراد با خودکارآمدی آن‌ها مرتبط است؛ به طوری که ارتباط کاملاً مستقیم خودکارآمدی با استرس، مسبب تلفیق آن در الگوهای تاب‌آوری شده (راتر^۲، ۱۹۸۵) و این واقعیت در تحقیقات پیرو نیز نمایش یافته است که افراد برخوردار از خودکارآمدی بالاتر در تلاش برای حل مسائل چالش‌برانگیز، استرس و برانگیختگی ارادی کمتری را تجربه می‌کنند (بندورا و دیگران، ۱۹۸۸). حسین چاری (۱۳۹۱) در تحقیقات خود به رابطه مثبت خودکارآمدی و تاب‌آوری دست یافتند و یادآور شدند میزان استقامت در برابر مشکلات و انعطاف‌پذیری در موقعیت‌های مختلف متأثر از خودکارآمدی افراد است که یافته‌های پژوهش آن‌ها، با نتایج گزارش شده توسط زیمرمن^۳ (۲۰۱۲) همسو است.

هوش معنوی که توسط ایمونز^۴ (۲۰۰۰) استاد روان‌شناسی دانشگاه هاروارد و نیز زوهر و مارشال^۵ (۲۰۰۰)، (از نوآوران به‌کارگیری تفکر کوانتومی در مدیریت و رهبری) شهرت یافته است؛ به‌عنوان توانایی ایجاد معنا مبتنی بر فهم عمیق سؤالات وجودی و نیز آگاهی و توانایی استفاده از سطوح چندگانه آگاهی در حل مسئله تعریف شده است. سانتوس معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط با آفریننده جهان است (غباری بناب، ۱۳۸۶). وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی بر اساس این قوانین تعریف کرده است. زوهر و مارشال معتقدند: «هوش معنوی، از طریق جستجوی معنای اصلی موقعیت‌ها، مطرح کردن «چرا» برای مسائل و تلاش برای برقراری ارتباط میان رویدادها رشد می‌کند. هم‌چنین یادگیری و بازشناسی گوش دادن به پیام‌های شهودی راهنمایی‌کننده یا صدای درونی، متفکر بودن، بالا بردن خودآگاهی، آموختن از اشتباهات و صداقت داشتن با خود، باعث افزایش هوش معنوی

1. Bandura
2. Rutter
3. Zimmerman
4. Emmons
5. Zuhar & Marshall

می‌شود» (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰).

مفهوم خلاقیت به توانایی‌هایی اطلاق می‌شود که فرد بتواند افکار جدید و مفیدی را ارائه دهد؛ روابط نو و مهم را به‌روشنی درک کند و سؤالات بی‌سابقه، اما مهمی را مطرح سازد. در تقسیم‌بندی خلاقیت از دیدگاه تورنس^۱، این مهارت به‌طور خلاصه در چهار عامل اصلی سیال بودن (استعداد تولید ایده‌های فراوان)، بسط (استعداد توجه به جزئیات)، ابتکار (استعداد تولید ایده‌های بدیع، غیرمعمول و تازه)، انعطاف‌پذیری (استعداد تولید و استفاده از ایده‌ها و روش‌های گوناگون) خلاصه‌شده است. عابدی بر این باور است که علم جدید خلاقیت که در دوره معاصر به‌موازات پیدایش و تحول روان‌شناسی غرب پدید آمد، با یافته‌های گیلفورد ابعاد بسیار گسترده‌ای یافت. او خلاقیت را متشکل از هشت بُعد اساسی، شامل: حساسیت به مسئله، سیالی، ایده‌های نوین، انعطاف‌پذیری، هم‌نهادی، تحلیل‌گری، پیچیدگی و ارزشیابی می‌داند.

خلاقیت نقش مهمی در ارتقای تاب‌آوری داشته و افراد خلاق با جهت‌دهی به خود، مدیریت منابع و تفحص مستقل، از عهده مشکل برمی‌آیند و با تفکر خلاق نه‌تنها از مهلکه جان سالم به درمی‌برند، بلکه با تاب‌آوری شکل گرفته برای روبرویی با رخداد‌های بعدی آماده‌تر می‌شود. فرد خلاق با انعطاف‌پذیری در مقابل تکالیف پیچیده یا ناخوشایند از مهارت‌های خاص استدلال بهره می‌گیرد (بشارت و عباسپور دوپلانی، ۱۳۸۹). با توجه به موارد فوق، سؤال‌های اصلی زیر مطرح می‌شود.

- ۱- رابطه بین هوش معنوی و تاب‌آوری کارکنان عملیاتی ناجا چگونه است؟
- ۲- رابطه بین خودکارآمدی و تاب‌آوری کارکنان عملیاتی ناجا چگونه است؟
- ۳- رابطه بین خلاقیت و تاب‌آوری کارکنان عملیاتی ناجا چگونه است؟

بیان مسئله

گروه‌هایی که به‌طور معمول در مواجهه با محرک‌های تنش‌زای حاد و مزمن حین انجام‌وظیفه هستند را می‌توان به دودسته کلی نیروهای اورژانس اجتماعی (بهبه‌اران، نیروهای پلیس و آتش‌نشانان) و نیز کارکنان نظامی (نیروهای رزمی و صلح‌بانان) تقسیم‌بندی کرد. تحقیقات متعدد، نشان‌دهنده درصد بالای شیوع اختلالات استرس پس از سانحه در این گروه‌ها هستند. تاکنون تعداد انگشت‌شماری از مطالعات به بررسی

تاب‌آوری و عناصر بسترساز مرتبط به آن در این گروه‌ها، مخصوصاً کارکنان یگان‌های عملیاتی پلیس پرداخته‌اند (پاشا شریفی، ۱۳۸۳؛ پوراسدی، ۱۳۹۱؛ تورنس، ۱۹۷۴) و عمدتاً به‌جای تحلیل تاب‌آوری، متکی بر واکنش‌های مقابله‌ای عمومی و سازگاری یا انطباق با وضع موجود هستند (پاشا شریفی، ۱۳۸۳).

افسران پلیس (که از جمله مهم‌ترین مشاغل پر خطر محسوب می‌شوند)، به‌طور معمول با وقایع تروماتیک بالقوه و موقعیت‌های فوق‌تنش‌زای متعدد در فعالیت‌های روزمره مواجه‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به مقابله با مجرمان حرفه‌ای و کشته شدن همکاران در حین مأموریت اشاره کرد. به همین منوال، نیروهای عملیاتی و در رأس آن‌ها یگان‌های ویژه پلیس در خط مقدم واکنش و مقابله با جدی‌ترین و شدیدترین تهدیدات و وقایعی هستند که مستلزم مهارت‌های تخصصی و استفاده از تجهیزات ویژه، در شرایطی فراتر از فعالیت‌های روزمره پلیسی هستند (ثابت حسین، ۱۳۸۶). تنش‌های موجود در این مأموریت‌ها، بالاتر از توانمندی‌های ذهنی-روانی انسان‌های عادی، و تاب‌آوری مورد نیاز برای این نیروها، بیش از میانگین غیرنظامیان است (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۳). بر این اساس، در عین اینکه نیروهای پلیس، آموزش‌های فراوانی را در حوزه دانش نظری و مهارت‌های فنی موردنیاز جهت ایفای نقش مؤثر شغلی و تصمیمات و اقدامات مؤثر در صحنه‌ها و وقایع بحرانی از سر می‌گذرانند، کمتر افسر پلیسی در مورد چگونگی بازیابی یا حفظ مهارت‌هایی که بتواند آن‌ها را در مواجهه با این شرایط آماده کرده و برای کسب تاب‌آوری و توانایی خودکنترلی لازم در راستای استقرار مجدد و بازیابی شرایط ایده‌آل تعادل روانی و فیزیولوژیکی-پس از بروز چالش‌های شدید شغلی، تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد. به همین منوال، نیروهای پلیس مجهز و مسلح به ابزارهای کمک‌کننده برای مدیریت افکار و هیجانات درونی بلندمدت ناشی از مشارکت و مداخله در وقایع نمی‌گردند و استرس روانی مستمر در درازمدت موجب بروز اثرات منفی روانی و جسمی در افسران پلیس می‌شود (دادفر، ۱۳۹۲؛ راس و دیگران، ۱۳۸۵)؛ به‌نحوی که آنان به‌طور معمول در معرض تهدید جدی امراض روانی اعم از افسردگی^۱، اختلال استرس پس از سانحه^۲ (PTSD)، افسردگی شغلی و سوءمصرف مواد مخدر

1. Depression

2. Post-Traumatic Stress Disorder

(رضایی و دیگران، ۱۳۸۵؛ رنجبر و دیگران، ۱۳۹۰) و نیز امراض جسمی، همچون بیماری‌های قلبی، اختلالات گوارشی، دیابت و حتی مرگ قرار دارند (زارع و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۹-۵۶).

مطالعات صورت گرفته برای انجام اقدامات مداخله‌ای در گروه‌های شغلی که در معرض آسیب‌های روانی و جسمانی ناشی از فشارهای روانی هستند؛ بیانگر آن است که تاکنون الگوی خاصی که منطبق بر ویژگی‌های شغلی و شرایط محیط کاری نیروهای عملیاتی پلیس باشد، برای ارتقای تاب‌آوری در این کارکنان طراحی و به‌بوته آزمایش گذاشته نشده است. الگوهایی که تاکنون برای ارتقای تاب‌آوری ارائه شده‌اند، عموماً افراد آسیب‌پذیر جامعه و به‌طور اخص کارکنان مشاغل سخت و پراسترس از جمله پرستاران، آتش‌نشانان، نظامیان، صلح بانان و کارکنان ارائه‌دهنده خدمات درمانی اضطراری و امدادگران را به‌عنوان جامعه هدف مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما واقعیت این است که نیروهای عملیاتی پلیس، مخصوصاً کارکنان یگان‌های ویژه که از شاخص‌ترین نیروهای عملیاتی ناجا محسوب می‌شوند، از نظر شرایط خدمتی و موقعیت‌های تنش‌زایی که در مأموریت‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند، کاملاً متفاوت و متمایزند. انتظار می‌رود، نیروهای ویژه با متانت و وقار و با تسلط کامل بر احساسات و عواطف شخصی و بدون آنکه تحت تأثیر اقدامات فیزیکی و روانی جمعیت قرار گیرند، در راستای مصالح سیاسی و امنیتی جامعه و برابر دستورات مسئولان و فرماندهان خود اقدام کنند. کوچک‌ترین خطا و یا اقدام نابجا و واکنش غیرمعتاد در مقابل رفتارهای جمعیت، می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای قضاوت ناصحیح نسبت به عملکرد و کارآمدی نیروهای پلیس محسوب شود و موجبات بروز مشکلات امنیتی را برای کشور فراهم کند. تهدیداتی که پیش روی این کارکنان است و می‌تواند ادامه زندگی و فعالیت‌های روزمره آنان را در داخل و خارج از محیط کار تحت تأثیر قرار داده و سلامت جسمانی و روانی آنان را به مخاطره اندازد، طیف وسیعی از آسیب‌های فیزیولوژیکی و روان‌شناختی را شامل می‌شود که از گزارش یگان‌های ویژه ناجا مستقر در استان‌های مختلف کشور به شرح زیر احصا شده است:

الف) عوامل آسیب‌زای جسمی و روانی ناشی از حوادث و شرایط خاص انتظامی و امنیتی:

۱- بروز تردید و دودلی در برخورد مقتدرانه با طیف گسترده اقدامات و فعالیت‌های

مخرب آشوبگران شهری؛

۲- مسلط شدن احساسات و عواطف و تمرد از انجام دستورات فرماندهان و بروز حس عدم حمایت؛

۳- محاصره شدن توسط جمعیت و بروز احساس ترس و اضطراب از تهدید جانی؛

۴- کاهش توان و بروز خستگی جسمی مزمن و آشفتگی روانی در مأموران به واسطه طولانی شدن مدت تجمع‌های غیرقانونی؛

۵- استماع حرف‌های رکیک، فحش و ناسزا و اتهامات نابجا و بی‌حرمتی‌ها، نسبت به مقدسات و ارزش‌های دینی و انقلابی؛

۶- وجود فضای نامتعادل غیرقابل پیش‌بینی؛

۷- دشمن پنداشته شدن از سوی جمعیت؛

۸- کاهش نظارت و کنترل فرماندهان روی رفتارهای مأموران.

ب- عوامل آسیب‌زای جسمی و روانی ناشی از شرایط محیط کار:

۱- وجود محیط کاری یکنواخت، تکراری و خسته‌کننده و نوبتی؛

۲- شرایط کاری سخت و طاقت‌فرسای ناشی از آماده‌باش‌ها و مأموریت‌های زیاد در عوض نارضایتی از میزان حقوق کم؛

۳- قرار گرفتن مداوم تحت آموزش‌های تکراری، ملال آور؛

۴- فشارهای روانی ناشی از برخوردهای غیرمنطقی پاره‌ای از فرماندهان.

مبانی نظری تحقیق

برخی مؤلفه‌هایی که تاب‌آوری را تقویت می‌کنند، متمرکز در درون فرد می‌باشند؛ مثل طبیعت و سرشت هر شخص، شخصیت و راهبردهای سازگاری وی و متغیرهایی که معمولاً به صورت آماری بیان می‌شوند و تحت عنوان ویژگی‌های جمعیت شناختی از آن‌ها یاد می‌شود، از قبیل جنسیت، سن بیشتر و تحصیلات بالاتر و عواملی نیز، بافتی اجتماعی دارند؛ مثل روابط حمایت‌کننده فرد و دسترسی به پیوندهای اجتماعی (بونانو^۱ و دیگران، ۲۰۰۸، به نقل از دوئر^۲، ۲۰۰۸).

کامپفر^۱ (۱۹۹۹) به‌طور خلاصه، عوامل تاب‌آوری درونی را در چهار بُعد طبقه‌بندی و ارائه کرده است. این چهار بعد عبارت‌اند از:

• **عوامل معنویت/انگیزشی^۲**: رؤیاهای و اهداف، غایت/معنا در زندگی، معنویت، اعتقاد به یکتایی خود شخص؛

• **توانمندی‌های شناختی^۳**: هوش، پیشرفت تحصیلی و مهارت در تکلیف‌خانه، مهارت‌های خواندن، استدلال اخلاقی، بینش، آگاهی میان فردی، عزت‌نفس، توانایی برنامه‌ریزی و خلاقیت.

• **توانمندی‌های رفتاری/اجتماعی^۴**: مهارت‌های اجتماعی و زرنگی‌های زندگی شهری، مهارت‌های حل مسئله، صلاحیت‌های دوجنسیتی و چند فرهنگی، همدلی، استواری هیجانی، شادکامی، بازشناسی احساسات، مهارت مدیریت هیجانی و توانایی بازسازی عزت‌نفس و شوخ‌طبعی.

• **توانمندی‌های جسمی و بهزیستی جسمانی^۵**: سلامت خوب، مهارت‌های حفظ سلامتی، رشد استعداد جسمانی، جذابیت جسمانی (کامپفر، ۱۹۹۹؛ به نقل از کرد میرزا، ۱۳۷۸).

از این رو، پژوهش‌هایی که با هدف شناسایی عوامل مختلف مؤثر بر تاب‌آوری صورت گرفته است؛ سه دسته کلی از عوامل، شامل عوامل فردی، عوامل محیطی و عوامل برهم کنش فرد-محیط را بیان کرده که به شرح زیر معرفی و تشریح می‌شوند:

الف) عوامل فردی^۶

مطالعات تجربی در رابطه با عوامل فردی (یا منابع درون فردی)^۷، مؤلفه‌های زیر را به‌عنوان عوامل مؤثر بر تاب‌آوری شناسایی کرده‌اند: ۱- صفات فردی: انطباق^۸، انعطاف‌پذیری^۹، سازش‌کاری^{۱۰}، برونگرایی^{۱۱}، پذیرش تجربیات جدید^۱ (دومونت و

-
- 1.Kompfer
 - 2.Spiritual/Motivatonal Factors
 - 3.Cognitive Skills
 - 4.Social/Behavioral Skills
 - 5.Physical Skills and Somatic well.being
 - 6.Individual factors
 - 7.Interpersonal resources
 - 8.Adaptability
 - 9.Flexibility
 - 10.Agreeableness
 - 11.Extraversion

پرووست^۲، ۱۹۹۹؛ گارمزی^۳، ۱۹۹۳؛ گارمزی، ۱۹۹۱؛ روتر، ۱۹۷۹؛ روتر، ۱۹۸۵؛ ورنر^۴، ۱۹۸۲؛ ورنر و اسمیت، ۱۹۹۲؛ ۲- عزت‌نفس^۵ (گارمزی، ۱۹۹۳؛ گارمزی، ۱۹۹۱؛ هوارد، ۱۹۹۶؛ لوتار و دیگران ۲۰۰۰؛ ورنر و اسمیت^۶، ۱۹۹۲)؛ ۳- تسلط بر نفس^۷ (روتر، ۱۹۷۹؛ روتر، ۱۹۸۵)؛ ۴- هوش^۸ (ماستن^۹، ۲۰۰۱)؛ ۵- راهبردهای مقابله‌ی مسئله مدار^{۱۰} (گارمزی، ۱۹۹۳؛ گارمزی، ۱۹۹۱)؛ ۶- منبع کنترل درونی^{۱۱} (لوتار^{۱۲}، ۱۹۹۱؛ گارمزی، ۱۹۹۳؛ گارمزی، ۱۹۹۱)؛ ۷- دستاوردگرایی و هدف محوری^{۱۳} (ورنر، ۱۹۸۲؛ ورنر و اسمیت، ۱۹۹۲)؛ ۸- عملکرد ذهنی بالاتر^{۱۴} (ماستن و دیگران، ۱۹۸۸؛ ۱۹۹۰)؛ ۹- خود تاب‌آوری و خودکنترلی (فلورس^{۱۵} و دیگران، ۲۰۰۵)؛ ۱۰- ارزیابی شناختی درباره تهدید، ایمنی و مصیبت، همچون شرایط کشف منفعت (اعتقاد به وجود مزایا و منافع در بطن مصیبت‌ها و استفاده از آن‌ها به‌عنوان راهبرد مقابله). ظهور حوزه نسبتاً جدید «روان‌شناسی مثبت» به شناسایی سایر متغیرهای فردی مؤثر بر تاب‌آوری اعم از خوش‌بینی، امید، خلاقیت، ایمان و بخشندگی انجامیده است (ریچاردسون^{۱۶}، ۲۰۰۲). سایر مفاهیم نوظهور همچون، تعصب ارتقای فردی یا گرایش به خودمثبت‌نگری نیز اثراتی بر تاب‌آوری داشته است (بونانو و دیگران، ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۵)؛ اما این گرایش به‌مرورزمان پیامدهای منفی از خود نشان داده است (زیرا ممکن است صداقت این افراد در نظر سایرین به زیر سؤال برود).

1. Openness to experience
2. Dumont, M. & Provost, M. A.
3. Garmezy
4. Werner
5. Self-esteem
6. Smith
7. Self-mastery
8. Intelligence
9. Masten
10. Problem-focused coping strategies
11. Internal locus of control
12. Luthar
13. Being achievement and goal-oriented
14. Higher intellectual functioning
15. Flores
16. Richardson

ب) عوامل محیطی^۱

تحقیقات اولیه در این حوزه نیز صرفاً به بررسی نقش عوامل محیطی منفرد مؤثر بر تاب‌آوری پرداخته‌اند. این مطالعات حاکی از اهمیت ویژگی‌های ارتباطی و علی‌الخصوص حمایت اجتماعی^۲ (ارتباط با سایر بزرگسالان درون و بیرون از خانواده درجه‌یک) (گارمزی، ۱۹۹۳؛ فلورس و دیگران، ۲۰۰۵؛ گارمزی و ماستن، ۱۹۹۱؛ روتر، ۱۹۷۹؛ روتر، ۱۹۸۵؛ ورنر، ۱۹۸۲؛ ورنر و اسمیت، ۱۹۹۲) و شایستگی‌های فرزند پروری مثبت (اعم از حضور عاطفی و حمایتی والدین) (گارمزی، ۱۹۹۳؛ تیت^۳ و دیگران، ۱۹۹۸؛ ماستن و دیگران، ۱۹۸۸) در زمینه تاب‌آوری هستند. یافته‌های پژوهشی بعدی، مبتنی بر نقش حمایت اجتماعی در افزایش تاب‌آوری ثبات نداشته و فرایندهای زیربنایی بین این دو مفهوم از شفافیت کافی برخوردار نیستند؛ برای مثال، پژوهشگران گمان می‌کنند که وجود فرصت صحبت در مورد سانحه در سیستم حمایت اجتماعی یک فرد، تسهیل‌کننده پردازش شناختی و بستر ساز ارائه فرصت‌هایی برای شناخت تجارب یکسان و مرتبط شده که به ارتقای تاب‌آوری دامن می‌زند، ولی حمایت اجتماعی نمی‌تواند لزوماً نقش عامل مؤثر اولیه را عهده‌دار باشد (دومونت و پرووست، ۱۹۹۹؛ هووارد، ۱۹۹۶).

ج) کنش متقابل فرد-محیط^۴

با وجود تأکید و ادعان هرروزه، بر اهمیت اجرای مطالعات باهدف شناسایی روابط تبادلی پویا و گذرگاه‌های بین عوامل فردی، محیطی، زمینه‌ای و بیولوژیکی (کرتیس^۵ و کیچتی، ۲۰۰۳؛ لوتار و کیچتی^۶، ۲۰۰۰؛ ماستن، ۲۰۰۱)، حجم پژوهش‌های تجربی منتشر شده با این ملزومات نسبتاً کم است. تلاش‌های صورت گرفته به توسعه الگوهای تعاملی تاب‌آوری منتهی شده‌اند (والر، ۲۰۰۰)؛ لیکن واکاوی تجربی این الگوها به‌ویژه در رابطه با عوامل بیولوژیکی مؤثر بر تاب‌آوری، همچنان محدود باقی مانده است.

مطالعات اخیر در تلاش برای شفاف‌سازی تعامل و روابط متقابل و مشترک بین عوامل فردی و تاب‌آوری در تفاوت‌ها و تمایزات بین افراد تاب‌آور و افراد آسیب‌پذیر در معرض

- 1.Environmental factors
- 2.Social support
- 3.Tiet
- 4.Person x Environment Interactions
- 5.Curtis
- 6.Luthar & cicchetti

ریسک بالا قرار دارد. برای مثال، جوانان دارای عزت‌نفس بالا به نسبت همسالان دارای کمبود عزت‌نفس، قابلیت بالاتری جهت بهره‌جویی از راهبردهای حل مسئله فعال و بروز سازگاری مثبت از خود نشان می‌دهند. مطالعات صورت گرفته توسط دوّمنت و پروووست (۱۹۹۹) در زمینه بزرگسالان نیز به نتایج مشابهی رسیده و نشان داده‌است که تاب‌آوری در ارتباط با عزت‌نفس بالاتر و بهره‌گیری بیشتر از راهبردهای حل مسئله یا مقابله فعال (بهره‌گیری از راهبردهای فعال حل مسئله بجای راهبردهای اجتنابی) است. خلاصه اینکه، عمده دانش موجود از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری، نشئت گرفته از ادبیات تحقیق روان‌شناسی رشد و روان‌پزشکی بوده است. پژوهش‌ها پیرامون عوامل منفرد مؤثر بر تاب‌آوری، محدود بوده و برخی از صفات فردی، شرایط محیطی و تأثیر متقابل و تعامل بین آن‌ها شناخته‌شده‌اند که در جدول زیر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، پژوهش در زمینه تاب‌آوری بیشتر در رفتار شناسایی پدیدار شناختی ویژگی‌های افرادی که در چنین جاهای خطرناک زندگی می‌کنند، نشئت گرفته است. در این زمینه سه موج در پژوهش و توجه به تاب‌آوری مطرح شده است.

موج اول: ویژگی‌های تاب‌آوری

از یک نظرگاه تاریخچه‌ای، اولین موج بررسی تاب‌آوری بر تغییر الگو با توجه به عوامل خطرزایی که منجر به مشکلات روان‌شناختی شده، به شناسایی توانایی‌های یک فرد متمرکز بود. ویژگی و فرض تاب‌آوری این است که افراد توانایی‌هایی را دارا هستند که به آن‌ها کمک می‌کند تا با وجود شرایط ناگوار، به بقای خود ادامه دهند. این که تاب‌آوری نوعی یادگیری است یا بخشی از ماهیت ژنتیکی فرد، موضوعی است که محققان در حال بررسی آن هستند. ویژگی‌های تاب‌آوری همچنین به‌عنوان عوامل محافظتی و دارایی‌های تحولی^۱ نیز در نظر گرفته شده است. سه عنصر تاب‌آوری از نظر گارمزی عبارت بود از آمادگی شخصیتی، محیط خانوادگی حمایتی و سیستم حمایت خارجی.

1. Developmental asset

موج دوم: نظریه فرایند تاب‌آوری

موج دوم بررسی تاب‌آوری، تلاشی بود جهت پاسخ به این پرسش که حالات تاب‌آوری چگونه کسب می‌شوند؟ [فلاچ (۱۹۸۸، ۱۹۹۷)؛ نقل از ریچاردسون، ۲۰۰۲]، بر این عقیده است که حالات تاب‌آوری طی یک فرایند شکست و انسجام مجدد به دست می‌آید.

سروف (۱۹۹۷) بر این باور است که تاب‌آوری صفت مجزایی که صرفاً به کودکان نسبت داده شود، نیست؛ بلکه فرایند پویایی است که از زمانی به زمان دیگر و بسته به فرصت‌هایی که در زندگی برای فرد پیش می‌آید، تغییر می‌کند. تاب‌آوری کیفیتی قابل‌تغییر و انعطاف‌پذیر است؛ بنابراین در هر نقطه و مرحله‌ای در سرتاسر زندگی می‌تواند به وجود آید (روتز، ۱۹۹۰)؛ از این‌رو به نظر می‌رسد که تاب‌آوری یک فرایند باشد و نه یک فرصت (واکر^۱، ۱۹۸۴).

برای کنار آمدن با فوریت‌های زندگی، افراد به‌واسطه تخریب‌های قبلی، کیفیت‌های تاب‌آوری را گسترش می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که بیشتر رخداد‌های جاری، به‌احتمال کمتری تخریب‌کننده می‌شوند و افراد یاد می‌گیرند، ضمن اجتناب از تخریب‌های معنادار، برانگیخته شوند و زندگی خود را بسازند.

انسجام مجدد تاب‌آورانه، زمانی رخ می‌دهد که فرد شخصیت رشد یافته‌ای دارد و از بحران به سمت پیشرفت حرکت می‌کند. در واقع تجربه بینش یا رشد از میان تخریب‌هاست. این فرایند یک تجربه درون‌نگرانه در شناسایی، دستیابی و پرورش کیفیت‌های تاب‌آوری است.

انسجام مجدد ناسازگارانه، هنگامی رخ می‌دهد که افراد به مواد، رفتارهای مخرب و سایر وسایل پناه می‌برند تا از عهده فوریت‌های زندگی برآیند. اکثر افرادی که به‌طور ناکارآمد انسجام می‌یابند، در مهارت‌های درون‌نگرانه خودشان نقطه‌های کوری دارند و برای پر کردن این خلأها، نیازمند درمان هستند.

موج سوم: نظریه تاب‌آوری

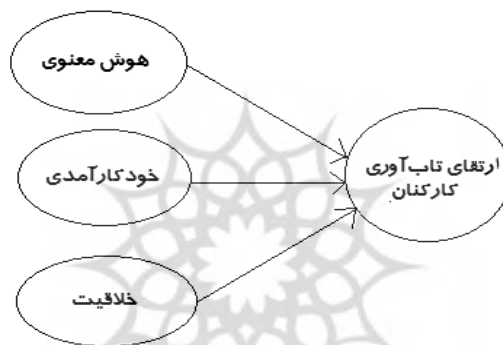
انسجام مجدد تاب‌آورانه برای رشد به انرژی نیاز دارد و طبق نظریه تاب‌آوری، منبع این انرژی، یک منبع معنوی و ذاتی است. یکی از عبارات نظریه تاب‌آوری، این است که

1. Walker

نیرویی در درون هر فرد وجود دارد که او را به‌سوی خود شکوفایی، نوع‌دوستی^۱، خرد و هماهنگی سوق می‌دهد. این نیرو یک منبع معنوی دارد. پرسشی که به موج سوم بررسی تاب‌آوری منجر شد؛ عبارت بود از اینکه، منبع انرژی یا انگیزشی که به انسجام مجدد تاب‌آوری منجر شود، چیست و کجاست (محمدی، ۱۳۸۴)؟

الگوی مفهومی تحقیق

بر اساس بررسی ادبیات تحقیق، الگوی مفهومی زیر، تبیین و روابط فرضی بین متغیرهای پژوهش توسعه یافته است. در الگوی مفهومی؛ هوش معنوی، خودکارآمدی و خلاقیت سطوح، متغیر پیش‌بین و متغیر ارتقای تاب‌آوری، متغیر ملاک است.



شکل ۱: الگوی مفهومی تحقیق

برخی مؤلفه‌هایی که تاب‌آوری را تقویت می‌کنند، متمرکز در درون فرد است؛ مثل طبیعت و سرشت هر شخص، شخصیت و راهبردهای سازگاری و متغیرهایی نیز که معمولاً به‌صورت آماری بیان می‌شوند، از قبیل جنسیت، سن بیشتر و تحصیلات بالاتر، عواملی نیز دارای بافتی اجتماعی‌اند؛ مثل روابط حمایتگر و دسترسی به پیوندهای اجتماعی (بونانو ۲۰۰۵، به نقل از دوئر، ۲۰۰۸).

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: کارگاه‌های آموزشی سه‌گانه روان‌شناختی (خلاقیت، خودکارآمدی و هوش معنوی)، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس شده است.

1. Altruism

- همچنین فرضیه‌های فرعی زیر برای پاسخ به سؤالات فوق در نظر گرفته شده است:
- ۱- کارگاه آموزش هوش معنوی، موجب ارتقای تاب‌آوری کارکنان گروه آزمایش شده است.
 - ۲- کارگاه آموزش خودکارآمدی، موجب ارتقای تاب‌آوری کارکنان گروه آزمایش شده است.
 - ۳- کارگاه آموزش خلاقیت، موجب ارتقای تاب‌آوری کارکنان گروه آزمایش شده است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون است. نمونه مورد بررسی شامل ۵۰ نفر از کارکنان یگان‌های ویژه پلیس بوده که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای افراد انتخاب و به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند و طی دوره آموزشی، افراد گروه آزمایش در دوره آموزش خودکارآمدی، هوش معنوی و خلاقیت شرکت کردند.

برای جمع‌آوری و بررسی متغیرهای تحقیق، از پرسشنامه‌های تاب‌آوری کانر-دیویدسون، هوش معنوی سهرابی و ناصری، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر و پرسشنامه خلاقیت عابدی پس از تأیید روایی و پایایی استفاده شد. پرسشنامه‌ها در دو مرحله‌ی قبل از شروع دوره و بعد از پایان دوره آموزشی، بین دو گروه کنترل و آزمایش توزیع و نظرات دو گروه جمع‌آوری شد.

مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، برای اندازه‌گیری توانایی سازگاری با تنش و آسیب ساخته شده است. طراحی این ابزار، دو هدف را که یکی تهیه مقیاسی برای سنجش تاب‌آوری در نمونه‌های بالینی و بهنجار و دیگری ارزیابی میزان تغییر نمرات تاب‌آوری در پاسخ به درمان است، دنبال می‌کند. این مقیاس یک ابزار ۲۵ گویه‌ای است که تاب‌آوری را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از صفر (همیشه نادرست) تا ۴ (همیشه درست) می‌سنجد. پایایی و روایی فرم فارسی مقیاس تاب‌آوری در مطالعات مقدماتی نمونه‌های بهنجار و بیمار، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. محمدی (۱۳۸۴) این مقیاس را برای استفاده در ایران هنجاریابی کرده است. وی این مقیاس را روی ۲۴۸ نفر اجرا کرده و پایایی آن با سنجش همسانی درونی آلفای کرنباخ

۰/۸۹ به دست آمد. در پژوهش سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۶)، پایایی این مقیاس در دانشجویان به کمک ضریب آلفای کرنباخ برابر ۰/۸۷ به دست آمده است. همچنین مشعل پور در سال ۱۳۸۹ از طریق همبسته کردن آن با مقیاس سختی روان‌شناختی اهواز با محاسبه ضریب همبستگی $r=0.64$ در سطح معناداری $p<0/001$ نشان داده است که این سازه از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار است. این مقیاس در تحقیقات گوناگون برای گروه‌های مختلف در ایران مورد استفاده قرار گرفته و از هنجار لازم برخوردار است. برای انجام این پژوهش نیز پایایی این پرسشنامه توسط پژوهشگر، با استفاده از روش آلفای کرنباخ به صورت آزمایشی با توزیع بین ۵۰ نفر از جامعه نمونه محاسبه شد که ضریب پایایی ۰/۸۸ به دست آمد. همچنین روایی پرسشنامه با مراجعه به نظرات تعدادی از روان‌شناسان خبره دانشگاهی، اعتبار سنجی شد که نتیجه آن ۰/۸۴۲ به دست آمده است.

پرسشنامه هوش معنوی سهرابی و ناصری^۱ (۱۳۹۲)، ماهیت مؤلفه‌ها و نحوه ابراز هوش معنوی را تحت تأثیر عوامل فرهنگی در نظر گرفته و در این رویکرد تلاش شده مقیاسی از مفهوم هوش معنوی ارائه شود که توانایی اندازه‌گیری این مفهوم را با توجه به فرهنگ غالب کشور ایران داشته باشد. این پرسشنامه در سه مطالعه به هم پیوسته ساخته شده که در مطالعه نخست، ابعاد هوش معنوی با توجه به مبانی نظری موجود مشخص و تعریف شده است. در این مطالعه در تعریف مؤلفه‌های اولیه پرسشنامه محقق ساخته، از الگوی استیونز (۱۹۹۶) و سین تر (۲۰۰۰) استفاده شده که مفهوم هوش معنوی را با توجه به مبانی آیین مسیحیت و کتاب مقدس انجیل تعریف کرده‌اند. با توجه به اینکه اکثر جمعیت ایران، از افراد مسلمان تشکیل شده است و با در نظر گرفتن این واقعیت که باورها و رفتارهای معنوی و مذهبی و به‌طور کلی فرهنگ غالب این افراد، بسیار تحت تأثیر دین مبین اسلام و کتاب مقدس قرآن است؛ محققان در تعریف و تعیین مؤلفه‌های پرسشنامه هوش معنوی، از این دو منبع (مبانی دین اسلام و کتاب قرآن)، به‌عنوان منابع اصلی استفاده کردند. روش نمره‌گذاری این پرسشنامه، به روش لیکرت است. هر عبارت دارای چهار گزینه می‌باشد و از الگوی ۱ تا ۴ پیروی می‌کند؛ اگر آزمودنی گزینه تقریباً همیشه را انتخاب کند، نمره ۴ به وی تعلق می‌گیرد، با گزینه

اغلب، نمره ۳ با گزینه بندرت، نمره ۲ و با گزینه هرگز، نمره ۱ به وی داده می‌شود. ضریب پایایی کل پرسشنامه ۹۷ سؤالی برابر با ۰/۹۸ است. همچنین ضریب پایایی ۴ مؤلفه استخراج شده که به اسامی خودآگاهی متعالی، تجربه‌های معنوی، شکیبایی و بخشش نام‌گذاری شدند، به ترتیب برابر با ۰/۹۶ و ۰/۹۰ و ۰/۸۶ و ۰/۸۳ است. در مجموع ضریب پایایی کل پرسشنامه ۹۷ سؤالی و هریک از ۴ عامل آن بالا است که نشان دهنده همسانی و یکنواختی ماده‌های پرسشنامه دارد. روایی پرسشنامه برای این تحقیق با مراجعه به نظرات تعدادی از خبرگان دانشگاهی، اعتبار سنجی شد که نتیجه آن ۰/۹۱، به دست آمد. همچنین پایایی این پرسشنامه- توسط پژوهشگر- با استفاده از روش آلفای کرنباخ به صورت آزمایشی با توزیع بین ۳۰ نفر از پاسخگویان محاسبه شد که ضریب پایایی ۰/۹۱۷، به دست آمده است.

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی شرر^۱ (GSESH) (۱۹۸۲) دارای ۱۷ سؤال است که هر سؤال بر اساس مقیاس لیکرت، از دامنه کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، تنظیم می‌شود. نمره‌گذاری مقیاس به این صورت است که به هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. بختیاری براتی (۱۳۷۶)، برای سنجش روایی سازه‌ای مقیاس خودکارآمدی عمومی، نمرات به دست آمده از این مقیاس را با اندازه‌های چندین ویژگی شخصیتی (مقیاس کنترل درونی و بیرونی راتر، خرده مقیاس کنترل شخصی، مقیاس درجه اجتماعی مارلو و کران و مقیاس شایستگی بین فردی روزنبرگ) همبسته کرد که همبستگی پیش‌بینی شده بین مقیاس خودکارآمدی و اندازه‌های خصوصیات شخصیتی متوسط (۰/۶۱ و در سطح ۰/۰۵ معنادار) و در جهت تأیید سازه مورد نظر بود.

همچنین ضریب پایایی مقیاس، با استفاده از روش دونیمه کردن آزمون گاتمن برابر ۰/۷۶ و با استفاده از ضریب آلفای کرنباخ ۰/۷۹ به دست آمده است. جهت مطالعه روایی ملاکی، همبستگی درونی این مقیاس با مقیاس منبع کنترل راتر (۱۹۹۶) محاسبه شد. همبستگی جزئی مقیاس خودکارآمدی عمومی شرر و مسند مهارگذاری درونی راتر $R=0/333$ (که در این محاسبه پیشرفت تحصیلی مهارشده است) و همبستگی پیرسون بین مقیاس‌های مذکور $R=0/342$ که در سطح $P>0/01$ همبستگی پیرسون بین این مقیاس‌ها در مطالعه شرر و همکاران (۱۹۸۲)، $0/287-$ به دست آمده است. همچنین در

1. Sherer General Self-efficacy Scale

پژوهش وقری (۱۳۷۹) برای بررسی پایایی خودکارآمدی ضریب آلفای کرنباخ ۰/۸۵ به‌دست‌آمده است. ضمناً از طریق روش اسپیرمن-براون نیز آلفای کرنباخ چیزی برابر با ۰/۸۳ را نشان می‌دهد. در نهایت، مطالعه گنجی و فراهانی (۱۳۸۸) در حوزه مذکور، به آلفای کرنباخی برابر با ۰/۸۱ رسیده است. پایایی این پرسشنامه، برای پژوهش حاضر توسط پژوهشگر- با استفاده از روش آلفای کرنباخ به‌صورت آزمایشی با توزیع بین ۳۰ نفر از پاسخگویان محاسبه شد که ضریب پایایی ۰/۸۰۷ به دست آمد. همچنین روایی پرسشنامه با بهره‌گیری از نظرات کارشناسی تعدادی از خبرگان دانشگاهی، اعتبار سنجی شد که نتیجه آن ۰/۶۷۴ به دست آمده است.

پرسشنامه خلاقیت عابدی^۱ که بر اساس نظریه تورنس (۱۹۶۷) برای سنجش خلاقیت ساخته شده ۶۰ سؤال دارد که چهار بعد سیالی (با ۲۲ سؤال)، ابتکار (با ۱۶ سؤال)، انعطاف‌پذیری (با ۱۱ سؤال) و بسط (با ۱۱ سؤال) را در برمی‌گیرد. پایایی این پرسشنامه در تحقیقات پیشین مطلوب گزارش شده است. اعتبار ۴ زیر مقیاس از طریق بازآزمایی در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران به ترتیب برابر ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ به‌دست‌آمده است. پایایی این پرسشنامه، با روش آلفای کرنباخ برای کل آزمون ۰/۸۸ به دست آمده است. همچنین ضرایب پایایی این پرسشنامه- در پژوهش یادشده- با روش آلفای کرنباخ ۰/۸۶ به دست آمده که نشان‌دهنده پایایی مطلوب این ابزار است. برای این پژوهش، روایی پرسشنامه خلاقیت توسط تعدادی از خبرگان دانشگاهی، اعتبار سنجی شد که نتیجه آن ۰/۷۵۳ به دست آمد. همچنین پایایی این پرسشنامه- توسط پژوهشگر- با استفاده از روش آلفای کرنباخ به‌صورت آزمایشی با توزیع بین ۳۰ نفر از پاسخگویان محاسبه شد که ضریب پایایی ۰/۹۸۶ به دست آمده است.

جهت بررسی متغیرها و فرضیه‌های تحقیق، از روش آماری تی آزمون تک نمونه‌ای و تحلیل کوواریانس با به‌کارگیری از نرم‌افزار SPSS-19 استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری نشان داد: از تعداد کل جامعه آماری ۳۲/۵ درصد از افراد دارای درجه گروه‌بان یکمی، ۳۹/۶ درصد دارای درجه استوار دومی، ۸/۱ درصد دارای درجه استوار یکمی، ۱۰/۱ درصد دارای درجه ستوان سومی، ۵/۵ درصد دارای درجه ستوان دومی، ۲/۶ درصد دارای درجه ستوان یکمی و ۱/۶ درصد دارای درجه سروانی بودند و از تعداد کل جامعه آماری ۷۴/۴ درصد، دارای وضعیت خدمتی پایور و ۲۵/۶ درصد پیمانی بودند. همچنین ۵۴/۶ درصد دیپلم، ۳۰/۸ درصد فوق دیپلم، ۱۳/۴ درصد لیسانس و ۱/۲ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس بوده‌اند.

- آزمون فرضیه‌های پژوهش

در فرضیات پژوهش، اثر آموزش در کارگاه‌های خودکارآمدی، هوش معنوی و خلاقیت در گروه آزمایش (به‌عنوان سطوح متغیر مستقل) و روی متغیر تاب‌آوری کارکنان عملیاتی ناجا (به‌عنوان متغیر وابسته) مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، از روش آماری تحلیل کوواریانس استفاده خواهد شد.

- بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس:

برای انجام تحلیل آماری از روش کوواریانس، ابتدا پیش‌فرض‌های نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگونی واریانس‌ها و اجرای پیش‌آزمون قبل از شروع دوره، پیش‌فرض همگونی شیب رگرسیون و پیش‌فرض آخر خطی بودن همبستگی متغیر هم پراش (پیش‌آزمون) و سطوح متغیر مستقل (دو گروه اسمی آزمایش و کنترل) بررسی شد.

جدول ۱: نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

آزمون اسمیرنوف-کلموگروف	پیش‌آزمون			پس‌آزمون			
	هوش معنوی	خودکارآمدی	خلاقیت	تاب‌آوری	هوش معنوی	خودکارآمدی	خلاقیت
گروه کنترل	۰/۵۲۶	۰/۹۱۵	۰/۴۰۸	۰/۶۲۲	۰/۷۰۲	۰/۳۷۲	۰/۷۲۳
گروه آزمایش	۰/۹۴۵	۰/۳۷۳	۰/۹۹۶	۰/۸۳۴	۰/۷۰۸	۰/۹۹۹	۰/۶۷۲
گروه کنترل	۰/۴۰۴	۰/۶۸۵	۰/۶۹۳	۰/۶۱۲	۰/۳۵۵	۰/۷۳۳	۰/۴۶۷
گروه آزمایش	۰/۹۹۷	۰/۷۳۷	۰/۷۲۲	۰/۸۴۷	۱	۰/۶۵۶	۰/۹۸۱

آزمون اسمیرنف کلموگروف نشان داد: پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها، رعایت شده است. همچنین در جدول (۲) سطح معناداری آزمون لوین نشان داد: پیش فرض همگونی واریانس‌ها رعایت شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون فرض همگونی واریانس‌ها

تحلیل واریانس یک‌طرفه	آزمون لوین		آزمون تحلیل واریانس	
	مقدار آزمون لوین	سطح معناداری	F	سطح معناداری
خودکارآمدی	پیش‌آزمون	۲/۲۷	۲/۲۱۵	۰/۱۴۳
	پس‌آزمون	۳/۰۹	۷/۱۹۱	۰/۰۱۰
هوش معنوی	پیش‌آزمون	۴/۴۵	۰/۱۶۰	۰/۶۹۱
	پس‌آزمون	۱/۹۹	۴/۲۴۵	۰/۰۴۵
خلاقیت	پیش‌آزمون	۰/۴۶	۰/۱۶۵	۰/۶۸۶
	پس‌آزمون	۴/۴۵	۰/۵۸۶	۰/۴۴۸
مهارت تاب‌آوری	پیش‌آزمون	۱/۶۶	۴/۴۷۹	۰/۰۴۰
	پس‌آزمون	۰/۴۲	۲۳/۳۰۲	۰/۰۰۰۱

برای اثبات پیش فرض همگونی شیب رگرسیون، باید مقدار F تعامل بین متغیر هم پراش و مستقل (آموزش دو گروه آزمایش و کنترل در دوره آموزشی سه‌گانه تاب‌آوری) در همه گروه‌ها را اثبات کنیم. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد: پیش فرض همگونی شیب رگرسیون رعایت شده است.

جدول ۳: آزمون همگونی شیب رگرسیون

آزمون همگونی شیب رگرسیون	فرضیه فرعی ۱		فرضیه فرعی ۲		فرضیه فرعی ۳		فرضیه اصلی	
	مقدار	سطح معناداری	مقدار	سطح معناداری	مقدار	سطح معناداری	مقدار	سطح معناداری
	۸/۵۱۳	۰/۰۰۱	۱۱/۱۵۲	۰/۰۰۰	۶/۳۸۵	۰/۰۰۴	۱۲/۴۹۵	۰/۰۰۰

پیش فرض آخر، خطی بودن همبستگی متغیر هم پراش (پیش‌آزمون) و سطوح متغیر مستقل (دو گروه اسمی آزمایش و کنترل) است. خروجی اصلی آزمون تحلیل کوواریانس در جدول (۴) نشان داده شده است. خط سوم خروجی جدول (۴) مقدار F تأثیر متغیر هم پراش را نشان می‌دهد. این مقدار اگر کمتر از ۵ درصد باشد، پیش فرض هفتم؛ یعنی خطی بودن همبستگی بین متغیر هم پراش (کنترل) و سطوح متغیر مستقل تأیید می‌شود.

جدول ۴: آزمون خطی بودن همبستگی متغیر هم پراش (پیش‌آزمون) و سطوح متغیر مستقل (دو گروه اسمی آزمایش و کنترل)

فرضیه فرعی ۳		فرضیه فرعی ۲		فرضیه فرعی ۱		آزمون خطی بودن همبستگی متغیر هم پراش و سطوح متغیر مستقل
مقدار	سطح	مقدار	سطح	مقدار	سطح	
معناداری	آماره F	معناداری	آماره F	معناداری	آماره F	
۰/۰۰۱	۱۱/۷۶۹	۰/۰۰۰	۱۶/۴۰۲	۰/۰۰۷	۷/۸۷۰	

(ب) یافته‌های استنباطی

پس از بررسی پیش فرض‌های تحلیل کوواریانس، ابتدا به بررسی فرضیه اصلی و سپس به بررسی فرضیه‌های فرعی پژوهش خواهیم پرداخت. **فرضیه اصلی:** آموزش مهارت‌های سه‌گانه، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود.

جدول ۵: نتایج تحلیل کوواریانس بررسی اثر کارگاه آموزشی سه‌گانه بر ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی

تاب‌آوری	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۵۷۶/۰۹۴	۱	۵۷۶/۰۹۴	۲/۵۷۴	۰/۱۱۵
گروه	۳۹۹۲/۱۸۸	۱	۳۹۹۲/۱۸۸	۱۷/۸۳۴	۰/۰۰۰۱
خطا	۱۰۵۲۰/۸۶۶	۴۷	۲۲۳/۸۴۸		

جدول شماره (۵)، خروجی اصلی تحلیل کوواریانس فرضیه اصلی تحقیق را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری که از ۰/۰۱ کمتر است و با توجه به مقدار F نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد: پس از خارج کردن اثر پیش‌آزمون، اختلاف معناداری بین نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون مشاهده شده است؛ بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان ادعا کرد؛ آموزش مهارت‌های سه‌گانه موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود و فرضیه اصلی تحقیق پذیرفته خواهد شد.

بررسی فرضیات فرعی پژوهش به شرح زیر خواهد بود:

فرضیه فرعی اول: آموزش هوش معنوی موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود.

جدول ۶: نتایج تحلیل کوواریانس بررسی اثر کارگاه آموزشی هوش معنوی بر ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی

هوش معنوی	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۷۹۸۸/۶۱۰	۱	۷۹۸۸/۶۱۰	۱۵/۸۶۸	۰/۰۰۰۱
گروه	۲۰۸۰/۰۹۶	۱	۲۰۸۰/۰۹۶	۴/۱۳۲	۰/۰۴۸
خطا	۲۳۶۶۱/۵۵۰	۴۷	۵۰۴/۴۳۷		

با توجه به جدول شماره (۶) و میزان سطح معناداری صفر که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به مقدار F برابر با عدد ۴/۱۳۲ در سطح معناداری ۰/۰۴۸ Sig = شده است که نشان می‌دهد: پس از خارج کردن اثر پیش‌آزمون، اختلاف معناداری بین نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون مشاهده شده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد: آموزش هوش معنوی، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود و فرضیه فرعی اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه فرعی دوم پژوهش: آموزش خودکارآمدی، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود.

جدول ۷: نتایج تحلیل کوواریانس بررسی اثر کارگاه آموزشی خودکارآمدی بر ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی

خودکارآمدی	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۲۸۰/۳۳۴	۱	۲۸۰/۳۳۴	۷/۸۷۰	۰/۰۰۷
گروه	۱۷۴/۵۹۹	۱	۱۷۴/۵۹۹	۴/۹۰۱	۰/۰۳۲
خطا	۱۶۷۴/۲۲۶	۴۷	۳۵/۶۶۲		

با توجه به جدول (۷) و میزان سطح معناداری صفر که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به مقدار F برابر با عدد ۴/۹۰۱ در سطح معناداری ۰/۰۳۲ Sig = شده است که نشان می‌دهد: پس از خارج کردن اثر پیش‌آزمون، اختلاف معناداری بین نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون مشاهده شده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد: آموزش خودکارآمدی، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود و فرضیه فرعی دوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه فرعی سوم پژوهش: آموزش خلاقیت، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس می‌شود.

جدول ۸: نتایج تحلیل کوواریانس بررسی اثر کارگاه آموزشی خلاقیت بر ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس

خلاقیت	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F مقدار	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۳۶۳۷/۷۲۹	۱	۳۶۳۷/۷۲۹	۲۰/۱۴۸	۰/۰۰۰۱
گروه	۲۴۵/۶۸۱	۱	۲۴۵/۶۸۱	۱/۳۶۱	۰/۲۴۹
خطا	۸۴۸۶/۰۳۱	۴۷	۱۸۰/۵۵۴		

با توجه به جدول (۸) و میزان سطح معناداری صفر که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به مقدار F برابر با عدد ۱/۱۶۱ در سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۲۴۹$ شده است که نشان می‌دهد: پس از خارج کردن اثر پیش‌آزمون، اختلاف معناداری بین نمرات دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون مشاهده نشده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد: آموزش خلاقیت، موجب ارتقای تاب‌آوری در نیروهای عملیاتی پلیس نمی‌شود و فرضیه فرعی سوم پژوهش تأیید نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری کارکنان یگان‌های عملیاتی پلیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران انجام شد. نتایج آزمون فرضیه‌های این پژوهش، با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان داد: بین دو گروه آزمایشی و کنترل در این مطالعه، پس از اجرای برنامه آموزشی و انجام مداخلات روان‌شناختی، تفاوت معناداری در زمینه برخورداری از ویژگی تاب‌آوری روان‌شناختی وجود دارد که این تفاوت را می‌توان متأثر از مداخلات آموزشی انجام شده و شرکت اعضای گروه آزمایشی در کارگاه‌های روان‌شناختی هوش معنوی، خودکارآمدی، دانست؛ اما این نتیجه‌گیری در مورد کارگاه آموزش خلاقیت قابل تعمیم نبوده و تحلیل کوواریانس صورت گرفته، این موضوع را تأیید نمی‌کند و این در حالی است که محققانی از جمله سیمونتون (۱۹۹۹)، گاردنر (۲۰۱۰) و جیمز و آسموندسن (۲۰۰۸) خلاقیت را از جمله ویژگی‌های افراد دارای تاب‌آوری بالا می‌دانند.

پیشنهادها

پژوهش حاضر، با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تاب‌آوری کارکنان یگان‌های عملیاتی پلیس نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران انجام شد. با توجه به اینکه مداخلات آموزشی مؤلفه‌های روان‌شناختی حاصل از این پژوهش، می‌تواند در تاب‌آوری نیروهای عملیاتی ناجا مؤثر واقع شود، پیشنهاد می‌شود، آموزش این عوامل؛ یعنی هوش معنوی و خودکارآمدی در برنامه آموزش ضمن خدمت کارکنان یگان‌های ویژه ناجا قرار گیرد و با روش کارگاهی و در قالب دوره‌های تخصص تکمیلی و یا دوره‌های تخصصی کوتاه‌مدت، برنامه‌ریزی و به اجرا درآید.

با اجرای کارگاه‌های آموزشی برای فرماندهان یگان‌های عملیاتی ناجا، از جمله یگان‌های ویژه، اثرگذاری آموزش این قبیل عوامل بر تاب‌آوری روان‌شناختی کارکنان و اثرات مثبتی که نتایج آن برای اجرای بهتر مأموریت به دنبال خواهد داشت، به آن‌ها تفهیم شده و رویکرد ایشان در خصوص برنامه‌های آموزش روان‌شناختی توسعه یابد. در این پژوهش، یک گروه آزمایشی تعیین شد و مداخلات آموزشی شامل ۳ کارگاه آموزش روان‌شناختی، روی آنان صورت گرفت که طبیعتاً زمان اختصاص یافته برای هر کارگاه کم بوده است. با توجه به این‌که در این پژوهش از دوره پی‌گیری سه‌ماهه استفاده شده است، پیشنهاد می‌شود؛ در پژوهش‌های آینده، از پیگیری‌های طولانی‌تر برای بررسی تداوم اثربخشی مداخله‌های آموزشی استفاده شود.

منابع

- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۳). **اعتماد به نفس**. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ص ۲۶.
- آزاد مرزآبادی، اسفندیار و حمید طرخورانی (۱۳۸۶). بررسی ارتباط بین استرس‌های شغلی و رضایتمندی شغلی کارکنان، **مجله علوم رفتاری (۱)**، صفحات. ۱۲۹-۱۲۱.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). مقاله بررسی رابطه کمال‌گرایی و موفقیت ورزشی. **حرکت**. ۲(۳). ۶۵-۵۱.
- پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۳). مقاله رابطه خلاقیت و ویژگی‌های تشخیصی دانش

- آموزان دبیرستان‌های تهران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۷، سال سوم.
- پوراسدی (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با استرس برون‌سازمانی پلیس (تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی)، فصلنامه مطالعات امنیتی اجتماعی، شماره ۳۱.
- تورنس، ایپال (۱۹۷۴). آزمون تفکر خلاق تورنس فرم ب تصویری. ترجمه علیرضا پیرخائفی. تهران: مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری، شناختی سینا.
- ثابت حسین، فریده (۱۳۸۶). تعیین اثربخشی آموزش صبر بر اضطراب، افسردگی و شادکامی. رساله دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- حبیبی، آرش؛ ایزدی‌ار، صدیقه و اعظم سرافرازی (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی، انتشارات کتیبه گیل.
- دادفر، صدیف (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش حل مسئله‌ی اجتماعی بر خودکنترلی، خودکارآمدی، تکانشوری دانش آموزان دارای استعداد اعتیاد. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- راس، رندال و الیزابت آلتمایر، استرس شغلی، ترجمه غلامرضا خواجه پور (۱۳۸۵). تهران: انتشارات بازتاب، چاپ اول.
- رضایی، شادی؛ حسینی، محمدعلی و مسعود فلاحی خشک‌ناب (۱۳۸۵). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر میزان استرس شغلی کارکنان پرستاری شاغل در مراکز توان‌بخشی شهرستان‌های ری، تهران و شمیرانات در سال ۱۳۸۲، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۶۴، شماره ۱. صفحات ۲۶-۲۱.
- رنجبر، فرخ‌حق؛ کاکاوند، علیرضا؛ برجعلی، احمد و حامد برماس (۱۳۹۰). مقاله تاب‌آوری و کیفیت زندگی مادران دارای فرزندان کم‌توان ذهنی، بهار، دوره ۱.
- زارع، حسین؛ پیرخائفی، علیرضا و داود مبینی (۱۳۸۹). مقاله بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر ارتقاء خلاقیت مهندسين با توجه به سنخ شخصیتی آنان، فصلنامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی/سازمانی، سال اول. شماره سوم، صص ۴۹-۵۶.

- سهرابی، فرامرز و اسماعیل ناصری (۱۳۹۲). هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن، تهران: انتشارات آوای نور، ص ۳۳۱-۳۳۷.

۵۹

- محمدی، مسعود (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض

خطر سوءمصرف مواد. پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- Asmundson, G. J. & Stapleton, J. A. (2008). Associations between dimensions of anxiety sensitivity and PTSD symptom clusters in active-duty police officers. *Cognitive Behavior Therapy*, 37(2), 66-75. doi:10.1080/16506070801969005.
- Bandura, A. (1982). Self-efficacy mechanism in human agency. *American Psychologist*, 37(2), 122-147.
- Bandura, A. Cioffi, D. Taylor, C. B. and Brouillard, M. E. (1988). Perceived self-efficacy in coping with cognitive stressors and opioid activation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 55(3), 479-488
- Benson, P. L. & Leffert, N. (1998). Developmental Assets: Measurement and Prediction of Risk Behaviors among Adolescents. *Journal of Applied Developmental Science*, 2(4), 209-230.
- Bonanno, G. A. Rennie, C. & Dekel, S. (2005). Self-enhancement among high-exposure survivors of the September 11th terrorist attack: Resilience or social maladjustment? *Journal of Personality and Social Psychology*, 88, 984-998.
- Bonanno, G. A. Wortman, C. B. & Nesse, R. M. (2004). Prospective patterns of resilience and maladjustment during widowhood. *Psychology and Aging*, 19, 260-271.
- Bonanno, G.A. Moskowitz, J. T. Papa, A. & Folkman, S. (2005). Resilience to loss in bereaved spouses, bereaved parents, and bereaved gay men. *Journal of Personality and Social Psychology*, 88, 827-843.
- Connor, K. M. & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson resilience scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18(2), 76-82. doi:10.1002/da.10113.
- Curtis, J. W. & Cicchetti, D. (2003). Moving research on resilience into the 21st century: Theoretical and methodological considerations in examining the biological contributions to resilience. *Development and Psychopathology*, 15, 773-810.
- Duerr M. (2008). The use of meditation and Mindfulness practices of support Military care providers: A prospectus. V2, 28-39.
- Dumont, M. & Provost, M. A. (1999). Resilience in adolescents: Protective role of social support, coping strategies, self-esteem, and social activities on experience of stress and depression. *Journal of Youth and Adolescence*, 28, 343-363.

- Emmons, R.A. (2000). Is Spirituality an Intelligence: Motivation, Cognition and the Psychology of Ultimate Concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26.320.
- Emmons, R.A. (2000a). Spirituality and Intelligence: Problems and Prospects. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 57-64.
- Flores, K. E. Cicchetti, D. & Rogosch, F. A. (2005). Predictors of resilience in maltreated and nonmaltreated Latino children. *Developmental Psychology*, 41, 338-351.
- Gardner, H. (2010). *Intelligence reframed. Multiple intelligences for the 21st century*. New York: Basic Books.
- Garmezy, N, & Masten, A. S. (1991). The protective role of competence indicators in children at risk. In E. M. Cummings, A. L. Greene, & K. H. Karraker (Eds.), *life span developmental psychology :perspectives on stress and coping*.
- Garmezy, N. (1991). Resiliency and vulnerability to adverse developmental outcomes associated with poverty. *American Behavioral Scientist*, 34, 416-430.
- Garmezy, N. Masten, A. S. & Tellegen, A. (1984). The study of stress and competence in children: A building block for developmental psychopathology. *Child Development*, 55, 97-111.
- Howard, D. E. (1996). Searching for resilience among African-American youth exposed to community violence: Theoretical issues. *Journal of Adolescent Health*, 18, 254-262.
- Luthar, S. S. (1991). Vulnerability and resilience: a study of high-risk adolescents. *Child Development*, 62, 600-616.
- Luthar, S. S. & Cicchetti, D. (2000). The construct of resilience: Implications for interventions and social policies. *Development and Psychopathology*, 12, 857- 885.
- Luthar, S. S. Cicchetti, D. & Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71, 543-562.
- Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychology*, 56, 227-238.
- Masten, A. S. Best, K. M. & Garmzy, N. (1990). Resilience and development: contributions from the study of children who overcome adversity. *Development and Psychopathology*, 2, 425-444.
- Masten, A. S. Garmezy, N. Tellegen, A. Pellegrini, D. S. Larkin, K. & Larsen, A. (1988). Competence and stress in schoolchildren: The moderating

effects of individual and family qualities. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 29, 745-764.

- Richardson, G. E. (2002). The metatheory of resilience and resiliency. *Journal of Clinical Psychology*, 58, 307-321.

- Rutter, M. (1979). Maternal deprivation, 1972 – 1978: New findings, new concepts, new approaches. *Child Development*, 20, 283-305.

- Rutter, M. (1985). Resilience in the face of adversity—Protective factors and resistance to psychiatric-disorder. *British Journal of Psychiatry*, 147, 598–611.

- Rutter, M. (1985). Resilience in the face of adversity—Protective factors and resistance to psychiatric-disorder. *British Journal of Psychiatry*, 147, 598–611.

- Rutter, M. (1990). Competence under stress: Risk and protective factors. In J. Rolf, A. S. Masten, D. Cicchetti, K. H. Nuechterlein, & S. Weintraub (Eds.), *Risk and protective factors in the development of psychopathology* (pp. 181-214). New York: Cambridge University Press.

- Simonton, D. K. (1999). Creativity as blind variation and selective retention: Is the creative process Darwinian? *Psychological Inquiry*, 10, 309-328.

- Sinetar, M. (2000). *Spiritual intelligence: What we can learn from the rarely awakening child*. New York: orbis books.

- Stevens, B. (1996). What about spiritual intelligence? *St. Marks review*, 167, 19-22.

- Strenberg, Robert J. (2006). The Nature of Creativity. *Creativity Journal Research*, 18(1), 87–98.

- Tiet, Q. Q. Bird, H. R. Davies, M. Hoven, C. Cohen, P. Jensen, P. S. Goodman, S. (1998). Adverse life events and resilience. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 37, 1191- 1200.

- Walker, R. J. (1996). Resilient reintegration of adult children of perceived alcoholic parents. Unpublished doctoral dissertation, University of Utah.

- Waller, M. (2000). Resilience in the eco systemic context: Evolution of the concept. *American Journal of Orthopsiatry*. 71(3), 290-297

- Werner, E. E. (1982). *Vulnerable but not invincible: A longitudinal study of resilient children and youth*. New York: McGraw-Hill.

- Werner. E. E. Smith, R. S. (1992). *Overcoming the odds: High-risk children from birth to adulthood*. NY: Cornell University Press Ithaca.

- Zimmerman, F. H. M. D. *Cardiovascular Disease and Risk Factors in Law Enforcement Personnel: A Comprehensive Review*. *Cardiology in Review* July/August, 2012. 20(4): p. 159-166.

- Zuhar, Danah & Marshall, I. (2000). *SQ: Spiritual Intelligence, the ultimate intelligence*. London: *Bloomsbury*.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پښتونستان ښار علمي مرکز